

بررسی منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) و تغییرات آن در طول سه دهه گذشته*

ابراهیم علیزاده^۱

علی محمد رضایی^۲

چکیده

پژوهش حاضر منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) و تغییرات آن را در میان مشاغل جامعه در طول سه دهه گذشته مورد بررسی قرار می دهد. برای این منظور با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای، ۹۰۲ نفر (۵۸۴ مرد و ۳۱۸ زن) انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد از دیدگاه شهروندان تهرانی، حرفه معلمی منزلت اجتماعی متوسط رو به بالا دارد و این جایگاه تحت تأثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان نیست. مطالعه روند منزلت اجتماعی حرفه معلمی نشان می دهد جایگاه این حرفه در دوره های سی ساله، رو به کاهش بوده است.

کلید واژه ها: منزلت اجتماعی، حرفه معلمی، شهروندان تهرانی

مقدمه

مردم تمایل دارند افراد و گروه هایی را که از نظر پایگاه اجتماعی^۳ در موقعیت های بالا یا پایین هستند با یکدیگر مقایسه کنند (نیک گوهر، ۱۳۷۳). پایگاه اجتماعی، مرتبه یا ارزش هر فرد در محیط گروهی، سازمانی یا اجتماعی را منعکس می کند که فرد بر اساس آن از برخی ویژگی ها و مزایا برخوردار می شود (توسلی، ۱۳۶۹). پایگاه، وسیله ای است که مردم را در طبقات مشخص

* تاریخ دریافت: ۸۶/۱۱/۲۳ تاریخ آغاز بررسی: ۸۶/۱۲/۱ تاریخ تصویب: ۸۸/۲/۱۶

۱. کارشناس ارشد سنجش و اندازه گیری دانشگاه علامه طباطبایی. (پست الکترونیکی: Ab_alizade@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی دانشگاه علامه طباطبایی. (پست الکترونیکی: Rezaei_am@yahoo.com)

رتبه بندی می‌کند و به طور کلی، از سه بعد اقتصادی (میزان ثروت، میزان درآمد، ناحیه و محل سکونت)، بعد فرهنگی (سطح تحصیلات) و بعد اجتماعی (نوع شغل) تشکیل می‌شود (هلر^۱، ۱۹۶۹، ص ۱۳۲). بعد اجتماعی پایگاه، منزلت شغلی^۲ نامیده می‌شود که پایگاه اجتماعی افراد یک سازمان را نشان می‌دهد (میچل، ترجمه شکرکن، ۱۳۸۳).

منزلت اجتماعی هر شغل به سه عامل بستگی دارد (محسنی، ۱۳۸۱؛ کاظمی پور، ۱۳۸۳):

۱- قدرت شغل برای اعمال اراده فردی؛

۲- میزان امتیازات شغل برای کسب درآمد و ثروت؛

۳- اهمیت خدماتی که شغل به جامعه ارائه می‌کند.

مشاغل قدرتمند، پر درآمد و با اهمیت، مانند شغل پزشکی، به طور معمول احترام بیشتری دارند و در مقابل، منزلت اجتماعی مشاغل کارگری که قدرت یا امتیازی ندارند، پایین تر است.

منزلت هر شغل، چگونگی رفتار متقابل و انتظارات جامعه را از شاغلان تعیین می‌کند و آنان را در ساخت دهی به تعامل‌های اجتماعی یاری می‌رساند. در کشورهای گوناگون، هر شغلی منزلت ویژه خود را دارد و مردم هر کشور می‌توانند مشاغلی با منزلت بالا یا پایین را از هم تشخیص دهند (کاظمی پور، ۱۳۸۳). مردم از شاغلان با منزلت بالا، تمکین می‌کنند، کمک می‌طلبند و یا می‌خواهند مانند آنان بشوند؛ برای مثال، در مقایسه با مشاغل کارگری، پزشک احترام بیشتری دارد و بیشتر اوقات به توصیه‌های او عمل می‌شود.

منزلت مشاغل، متناسب با شرایط و تحولات اقتصادی و اجتماعی تغییر می‌کند. در کشور آمریکا با آغاز عصر فضا، به دلیل نوع نگاه جامعه آمریکایی به اکتشافات و پیشرفت‌های فضایی، منزلت شغلی حرفه‌های وابسته به حکومت و تجارت (از قبیل دیپلمات، استاندار و بانکدار) قدری تنزل یافت و حرفه‌های وابسته به تحصیلات و علم (از قبیل دانشمند یا فیزیکدان) اعتبار بیشتری به دست آوردند (میچل، ترجمه شکرکن، ۱۳۸۳).

طرح مسئله

تعلیم و تربیت مردان و زنان توانمند آینده (کودکان و نوجوانان فعلی) به معلمانی با انگیزه و

1. Heller

2. Occupational Prestige

کارآمد نیاز دارد. بسیاری از کشورهای دنیا، نقش معلم در توسعه پایدار را به خوبی درک کرده‌اند و با فراهم آوردن شرایط مناسب، منزلت اجتماعی بالایی را برای این حرفه تدارک دیده‌اند؛ برای مثال، در کشورهای اروپایی، حرفه معلمی منزلت اجتماعی رو به بالایی دارد (پاپلتون و رایزبروگ^۱، ۱۹۹۰؛ دینهام و اسکات^۲، ۲۰۰۰) و در کشورهایی مانند آمریکا (هوئل^۳، ۱۹۹۵؛ ترین^۴، ۱۹۷۷) و تایوان (لین^۵، ۱۹۹۹) حرفه معلمی نسبت به حرفه‌هایی مانند دندانپزشکی و حسابداری، منزلت و احترام بالاتری دارد.

نتایج تحقیقات در ایران (کاظمی پور، ۱۳۷۴؛ قاسمی نژاد و اسماعیلی، ۱۳۸۳؛ افلاکی فرد، ۱۳۸۰) نشان می‌دهد جامعه ایرانی اعتبار بالایی برای حرفه معلمی قائل نیست و حمایت‌های اجتماعی ناکافی از معلمان موجب شده است که از دهه ۶۰ شمسی به بعد، منزلت اجتماعی سایر مشاغل، بیشتر از این حرفه باشد.

فرآیند کاهش منزلت اجتماعی حرفه معلمی در ایران، نتایج زیانباری در پی داشته است که گرایش نداشتن جوانان مستعد و توانمند به این حرفه (افلاکی فرد، ۱۳۸۰) احساس سرخوردگی و اضطراب شغلی (آگیلار و فای، ۱۳۷۹)، کاهش انگیزش شغلی (کلدی و عسگری، ۱۳۸۲)، بروز نارضایتی در میان معلمان به صورت اعتصاب و راهپیمایی، کاهش تأثیر نقش الگویی معلمان برای دانش‌آموزان و در نهایت نا کارآمدی نهاد تعلیم و تربیت برای پرورش نسل آینده (معدفر و ذهانی، ۱۳۸۴) از جمله این پیامدها به شمار می‌آید. برای کاهش و حذف چنین پیامدهایی، باید منزلت اجتماعی حرفه معلمی متناسب با نقش‌ها و کارکردهای آن تغییر کند.

پژوهش حاضر بر آن است تا روند منزلت اجتماعی معلمان را در ایران مورد بررسی قرار دهد؛ به نظر می‌رسد نمودی از میزان موفقیت طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌ها در زمینه ایجاد امکانات رفاهی و افزایش کیفیت زندگی شغلی معلمان، اتخاذ و اجرا شده‌اند. پرسش‌هایی وجود دارند که پاسخ به آن‌ها می‌تواند به روشن شدن وضعیت موجود کمک کند:

● منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) در حال حاضر، از نظر مردم چگونه است؟

● منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) در حال حاضر، میان

1. Poppleton & Riseborough
2. Dinham & Scott
3. Hoyle
4. Treiman
5. Lin

مشاغل جامعه چه جایگاهی دارد؟

- منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) از سه دهه گذشته تاکنون چه روندی داشته است؟
- آیا دیدگاه مردم نسبت به منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) بر حسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان متفاوت است؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، زمینه‌یابی طولی از نوع روند است که در آن با استفاده از نمونه‌های گوناگون در زمان‌های مشخص، دیدگاه مردم درباره منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) مورد بررسی قرار گرفته است (دلاور، ۱۳۷۸).

پژوهش نخست در سال ۱۳۵۶ توسط اشرف و توفیق (به نقل از کاظمی پور، ۱۳۷۴) در شهر تهران انجام شد. حجم نمونه این پژوهش ۱۱۷۲ نفر از رؤسای خانوار بودند که ۴/۲ درصد پاسخگویان را کارمندان بلند پایه دولت، صاحبان صنایع و مدیران شرکت‌های خصوصی، تجار عمده و صاحبان مشاغل تخصصی در سطوح بالا، ۱۳/۵ درصد را کارمندان ارشد دولت، صاحبان و مدیران صنایع کوچک، مدیران فروش و صاحبان مشاغل تخصصی در سطوح میانه تشکیل می‌دادند. ۳۱/۱ درصد آن‌ها کارمندان عادی دولتی و بخش خصوصی و کسبه و پیشه-وران، ۴۵ درصد آن‌ها کارگران ماهر و نیمه ماهر و کارکنان جزء دولت و بخش خصوصی و ۶/۳ را نیز فروشندگان دوره گرد، کارگران بدون مهارت و کارکنان خانگی تشکیل می‌دادند.

پژوهش دوم را کاظمی پور در سال ۱۳۷۴ در شهر تهران انجام داد. حجم نمونه این پژوهش ۹۰۰ نفر از مردان شاغل ۳۰ سال به بالا بودند که ۱۰ درصد مجرد، ۹۰ درصد متأهل و میانگین سنی آنان ۴۳/۸ سال بود. ۴ درصد پاسخگویان بیسواد، ۶/۱ درصد تحصیلات قدیمی، ۱۱/۸ درصد ابتدایی، ۷ درصد راهنمایی، ۷/۲ درصد متوسطه، ۲۴/۱ درصد دیپلم، ۱۱/۲ درصد فوق دیپلم، ۱۹/۵ درصد لیسانس، ۵/۹ درصد فوق لیسانس و ۳ درصد دکتری داشتند. درآمد ماهیانه خانواده ۱۸/۵ درصد پاسخگویان کمتر از ۳۰ هزار تومان، ۱۹/۶ درصد آن‌ها میان ۳۰ تا ۳۹ هزار تومان، ۳۱/۵ درصد آن‌ها میان ۴۰ تا ۵۰ هزار تومان، ۱۷/۹ درصد آن‌ها میان ۵۱ تا ۹۹ هزار تومان و ۱۲/۵ درصد بالاتر از ۱۰۰ هزار تومان در ماه بود. ۵۷/۲ درصد پاسخگویان منزل شخصی داشتند، ۱۳ درصد رهنی و اجاره‌ای، ۱۱/۷ درصد اجاره‌ای، ۷/۶ درصد منازل

پدری یا فامیلی، $4/7$ درصد رهنی، $4/1$ درصد سازمانی، $0/7$ درصد موقوفه و مجانی و $0/8$ درصد نیز منازلی غیر از موارد ذکر شده داشتند.

پژوهش سوم (پژوهش حاضر) در سال ۱۳۸۵ توسط علی زاده و رضایی در شهر تهران انجام شد. جامعه آماری این پژوهش از زنان و مردان بالای ۱۵ سالی هستند که در سال ۱۳۸۵ ساکن شهر تهران بودند. برای نمونه گیری از روش خوشه ای استفاده شد (حمیدی زاده، ۱۳۷۴). برای این کار، طبق نقشه تفصیلی شهرداری در داخل هر منطقه شهری، محله های آن تعیین شد و نقشه به شکل میلی متری مدرج گردید. سپس در هر منطقه دست کم ۴ حوزه آماری (خیابان) به صورت تصادفی انتخاب شد. پرسشگران با مراجعه به حوزه آماری مورد نظر، از میان واحدهای مسکونی مستقر، حدود ۱۰ واحد را برای اجرای پرسشنامه به صورت تصادفی انتخاب کردند. از هر واحد مسکونی فقط یک نفر برای تکمیل پرسشنامه انتخاب شد و اگر افراد واجد شرایط برای تکمیل پرسشنامه در حوزه آماری مورد نظر نبودند، پرسشگران به حوزه آماری مجاور مراجعه می کردند.

حجم نمونه ۹۰۲ نفر (۵۸۴ مرد و ۳۱۸ زن) هستند که از این تعداد ۵۴ درصد مجرد و ۴۶ درصد متأهل می باشند. میانگین سنی پاسخگویان $28/7$ سال با انحراف معیار $9/7$ سال با حداقل ۱۵ و حداکثر ۷۷ سال است. $18/4$ درصد پاسخگویان در شمال تهران، $19/3$ درصد در جنوب تهران، ۱۴ درصد در شرق تهران، $31/9$ درصد در غرب تهران، و $16/4$ درصد نیز در مرکز تهران سکونت دارند. از نظر تحصیلات، $1/5$ درصد بیسواد، $1/6$ درصد ابتدایی، $8/8$ درصد سیکل، $32/2$ درصد دیپلم، $9/2$ درصد فوق دیپلم، ۳۶ درصد لیسانس، $7/5$ درصد فوق لیسانس، $1/5$ درصد دکتری، $0/4$ درصد حوزوی و $1/2$ درصد نیز غیر از اینها می باشند. درآمد ماهیانه خانواده $26/3$ درصد پاسخگویان کمتر از ۱۵۰ هزار تومان، $11/3$ درصد آن ها میان ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان، $12/3$ درصد آن ها میان ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان، ۵ درصد آن ها میان ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان، $8/2$ درصد آن ها میان ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان و $4/2$ درصد بالاتر از ۳۵۰ هزار تومان در ماه است و $32/7$ درصد نیز میزان درآمد ماهیانه خانواده خود را گزارش ندادند. $20/1$ درصد پاسخگویان، منزل اجاره ای، $24/7$ درصد منزل شخصی و $22/9$ درصد نیز در منزل پدری سکونت دارند. $6/2$ درصد پاسخگویان نوع منزل خود را غیر از موارد ذکر شده، برشمردند. $26/1$ درصد پاسخگویان نیز نوع منزل خود را مشخص نکردند. نمونه آماری هر سه پژوهش از لحاظ میانگین سنی، جنسیت، تحصیلات، میزان درآمد تا

حدودی متفاوت است. این تفاوت از تغییر در ترکیب جمعیتی و شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور در ۳۰ سال گذشته ناشی شده است. با این حال در سؤال چهارم پژوهش بررسی می‌شود که آیا دیدگاه مردم نسبت به منزلت اجتماعی حرفه معلمی تحت تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان است؟ پژوهش حاضر نشان داد ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی بر نظر مردم تأثیر نداشت؛ البته می‌توان نتایج سه مطالعه را با یکدیگر مقایسه کرد.

ابزار پژوهش

تعیین منزلت اجتماعی مشاغل، به دو روش کلی صورت می‌گیرد: روش عینی و روش ذهنی (ستوده چوبری، ۱۳۸۵). در روش عینی، محقق مشاغل را با استفاده از تجربیات خود و نیز تحقیقات پیشین، با توجه به مدارج آن‌ها در سلسله مراتب اجتماعی، طبقه‌بندی می‌کند؛ اما در روش ذهنی به هر شغلی در فهرست مشاغل، بر اساس قضاوت افکار عمومی، امتیاز داده می‌شود و سپس مشاغل بر اساس امتیازهاشان رتبه‌بندی می‌شوند.

منزلت اجتماعی مشاغل در ایران تاکنون دوبار به صورت گسترده مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش اول که اشرف و توفیق در سال ۱۳۵۶ در تهران انجام دادند (به نقل از کاظمی پور، ۱۳۷۴) ۷۵ شغل از مشاغل جامعه ایرانی همراه با طبقه پنج قسمتی (عالی = ۱۰۰، خوب = ۸۰، متوسط = ۶۰، ضعیف = ۴۰ و بد = ۲۰) در اختیار مردم قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا نظر خود را درباره منزلت اجتماعی مشاغل بیان کنند. در پژوهش دوم که کاظمی پور در سال ۱۳۷۴ انجام داد، ابتدا ۹۰ عنوان شغل از مهم‌ترین مشاغل رایج در جامعه، با طبقه‌ای پنج قسمتی (عالی = ۱۰۰، خوب = ۸۰، متوسط = ۶۰، ضعیف = ۴۰ و بد = ۲۰)، در اختیار شهروندان تهرانی قرار گرفت تا آنان نظر خود را مشخص کنند. در هر دو پژوهش، منزلت اجتماعی مشاغل با محاسبه میانگین پاسخ‌های افراد و مرتب کردن آن‌ها به دست آمد.

مشاغل به کار رفته در این پژوهش‌ها بیش از حد طولانی هستند؛ بنابراین در پژوهش حاضر کوشیدیم تا تعداد مشاغل مورد پرسش کمتر شود و پرسشنامه نهایی تا حد امکان کوتاه باشد، زیرا بسیاری از آزمودنی‌ها سطح انگیزشی، حوصله و فرصت کافی برای تکمیل پرسشنامه‌های بلند را ندارند (راسل و پیلا و فرگوسن^۱، ۱۹۷۸). بنابراین با حفظ پایایی مقیاسی در سطح مطلوب، کوتاه کردن پرسشنامه موجب افزایش کارایی آن در زمینه‌های پژوهشی می‌شود و بر

قوت و امتیازات آن می‌افزاید (آناستازی^۱، ۱۹۸۲). برای این هدف، ابتدا مشاغل به کار رفته در تحقیقات پیشین به چهارده طبقه شغلی متجانس تقسیم شدند. سپس از هر طبقه، دست کم یک شغل در فهرست نهایی قرار گرفت. کوشیدیم تا مشاغلی انتخاب شوند که مردم آن‌ها را به درستی می‌شناسند. با استفاده از این روش، فهرست نهایی شامل ۵۰ شغل به دست آمد. طبقات شغلی و مشاغل موجود در آن‌ها به شرح زیر هستند:

۱- مشاغل پیشه‌وری: کاسب (بقال، عطار، قصاب و سمسار)، کله پز، قهوه‌چی، دستفروش؛

۲- مشاغل مهارتی: صنعتگران (نجار، آهنگر، جوشکار، برقکار و تراشکار)، کفاش، خیاط، لوله‌کش، سلمانی، نانو؛

۳- مشاغل کارمندی: کارمندان ادارات دولتی (بنیاد شهید، بهزیستی، هلال احمر، کمیته امداد و ثبت اسناد)، کارمند بانک، کارمند شرکت نفت، کارمند شرکت بیمه؛

۴- مشاغل کارگری: کارگر، پستچی، نگهبان، تلفنچی؛

۵- مشاغل فرهنگی: استاد دانشگاه، دبیر دبیرستان، آموزگار دبستان؛

۶- مشاغل ورزش‌های حرفه‌ای: فوتبالیست حرفه‌ای، کشتی‌گیر حرفه‌ای، رزمی‌کار حرفه‌ای؛

۷- مشاغل هنری: هنرپیشه سینما، خواننده، موسیقیدان؛

۸- مشاغل نظامی و انتظامی: افسر پلیس، پاسدار، افسر ارتش؛

۹- مشاغل سیاسی: استاندار، وزیر، سفیر، مقام بلند پایه در یک وزارتخانه دولتی، نماینده مجلس؛

۱۰- مشاغل تجاری - تولیدی: کارخانه‌دار بزرگ، کارخانه‌دار کوچک، تاجر بازار، بنگاه‌دار اتومبیل، جواهر فروش؛

۱۱- مشاغل رانندگی: راننده تاکسی؛

۱۲- مشاغل کشاورزی: کشاورز، دامدار؛

۱۳- مشاغل تخصصی: معمار، پزشک، مهندس، وکیل، قاضی، خلبان، روزنامه‌نگار؛

۱۴- مشاغل مدیریتی: مدیر عامل یک شرکت بزرگ، مدیر اداره دولتی؛

سرانجام ۵۰ شغل به صورت تصادفی در قالب پرسشنامه‌ای مبتنی بر طیف لیکرت گنجانده شد. سپس اعتبار محتوایی پرسشنامه با محاسبه ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن، میان نمره‌های

حاصل از داوری دو متخصص جامعه‌شناسی، مورد بررسی قرار گرفت که ضریب همبستگی ۰/۸۶ به دست آمد.

نظر داوران نشان داد پرسشنامه کفایت لازم برای بررسی منزلت اجتماعی مشاغل را دارد. در این پرسشنامه، پاسخگویان میزان منزلت اجتماعی هر شغل را به صورت مجزا در هفت سطح (بسیار بالا، بالا، کمی بالا، متوسط، کمی پایین، پایین، بسیار پایین) ارزیابی می‌کنند. شیوه نمره‌گذاری آزمون از مقیاس صفر تا ۱۰۰ پیروی می‌کند؛ به این ترتیب که به رتبه خیلی بالا امتیاز ۱۰۰، بالا امتیاز ۸۶، کمی بالا امتیاز ۷۱، متوسط امتیاز ۵۷، کمی پایین امتیاز ۴۳، پایین امتیاز ۲۹، خیلی پایین امتیاز ۱۴ داده می‌شود. برای بررسی پایایی پرسشنامه، از روش آلفای کرانباخ استفاده شد که ضریب ۰/۸۹ به دست آمد.

لازم به توضیح است که پرسشنامه در هر سه پژوهش طیف لیکرت (حداقل و حداکثر نمره به ترتیب صفر و ۱۰۰) را داشت. هم‌چنین از پاسخگویان سؤال شد که از نظر آن‌ها منزلت اجتماعی هر یک از مشاغل پرسشنامه چه قدر است؟

شیوه اجرا

پرسشنامه پژوهش به صورت خود اجرایی به مرحله اجرا در آمد؛ بدین ترتیب که پس از مراجعه به خیابان‌هایی که در مرحله نمونه‌گیری مشخص شده بودند و نیز توجیه پاسخگویان در خصوص هدف طرح، از افراد بالای ۱۵ سال خواستیم تا در صورت تمایل به پرسشنامه پاسخ دهند. در مواردی که پاسخگویان سطح تحصیلاتی بسیار پایین داشته، یا بیسواد بودند، پرسشگران پرسشنامه را برای پاسخگو می‌خواندند و پاسخ آن‌ها را علامت می‌زدند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها با آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفت. در سطح آمار توصیفی، از جدول‌ها، نمودارها، میانگین و انحراف معیار، در سطح آمار استنباطی از آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی رتبه‌بندی مشاغل و تحلیل روند منزلت اجتماعی حرفه معلمی، برای مشخص کردن طبقات منزلت اجتماعی مشاغل مورد مطالعه از تحلیل خوشه‌ای، برای مقایسه منزلت اجتماعی با توجه به پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان از آزمون یومن ویتنی و آزمون کروسکال والیس بهره گرفتیم.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول: در حال حاضر منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) از نظر مردم چگونه است؟ برای پاسخ به این سؤال، ابتدا نظر شهروندان تهرانی درباره منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفت. در جدول شماره ۱ توزیع فراوانی مربوط به میزان منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) ارائه شده است.

جدول شماره ۱ – توزیع فراوانی برآورد منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) بر حسب درصد

میزان منزلت اجتماعی	منزلت اجتماعی دبیر دبیرستان	منزلت اجتماعی آموزگار دبستان
بسیار پایین	۱/۴	۳/۲
پایین	۲/۴	۶/۲
بسیار پایین	۶/۵	۱۲/۷
متوسط	۴۷/۷	۴۷/۹
کمی بالا	۲۳/۸	۱۴/۷
بالا	۱۱/۱	۶/۹
بسیار بالا	۵/۱	۵/۳
گزارش نشده	۱/۹	۳
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰

همان‌طور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، شهروندان تهرانی منزلت اجتماعی دبیر دبیرستان را بالاتر از آموزگار دبستان ارزیابی کرده‌اند. برای آزمون آماری این یافته، آزمون ویلکاکسون اجرا شد. نتیجه نشان داد ($z = 9/8$; $p < 0/01$) شهروندان شهر تهران به طور معناداری منزلت اجتماعی دبیر دبیرستان را بیش از آموزگار دبستان می‌دانند. به طور کلی شهروندان تهرانی منزلت اجتماعی دبیر دبیرستان را در مقیاس رتبه‌ای از عدد صفر تا ۱۰۰، با میانگین ۶۳/۷۹ و انحراف معیار ۱۵/۹۵ و میانگین منزلت اجتماعی آموزگار دبستان را ۵۸/۵۸ با انحراف معیار ۱۸/۱۱ ارزیابی کردند.

سؤال دوم: منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) در میان مشاغل جامعه

چه جایگاهی دارد؟ برای پاسخ به سؤال دوم، میانگین پاسخ‌های شهروندان درباره منزلت اجتماعی ۵۰

شغل مورد بررسی، محاسبه شد. یافته به دست آمده در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲ - میانگین پاسخ‌های شهروندان درباره منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) در میان مشاغل مورد مطالعه

رتبه	مشاغل	سال ۱۳۸۵	رتبه	مشاغل	سال ۱۳۸۵
۱	سفیر	۹۲/۲	۲۶	تاجر بازار	۷۴/۸
۲	وزیر	۹۲/۲	۲۷	روزنامه نگار	۷۳/۸
۳	مدیر عامل شرکت بزرگ	۹۱/۴	۲۸	کارمند شرکت بیمه	۷۲/۸
۴	استاد دانشگاه	۹۰/۱	۲۹	کارمند بانک	۷۲/۸
۵	کارخانه دار بزرگ	۸۹/۱	۳۰	افسر ارتش	۶۷/۵
۶	پزشک	۸۹/۱	۳۱	دبیر دبیرستان	۶۳/۸
۷	نماینده مجلس	۸۸/۴	۳۲	پاسدار	۶۳/۵
۸	قاضی	۸۷/۶	۳۳	کارمند ادارات (بنیاد شهید، بهزیستی، هلال احمر، کمیته امداد- ثبت اسناد)	۶۲/۹
۹	استاندار	۸۵/۹	۳۴	افسر پلیس	۶۲/۵
۱۰	خلبان	۸۵	۳۵	آموزگار دبستان	۵۸/۹
۱۱	مقام بلند پایه در وزارتخانه دولتی	۸۴/۶	۳۶	صنعتگران (نجار، آهنگر، برقکار، تراشکار و جوشکار)	۵۵/۵
۱۲	فوتبالیست حرفه‌ای	۸۴/۱	۳۷	کاسب (بقال، عطار، قصاب، سمسار)	۵۴/۷
۱۳	وکیل	۸۳/۱	۳۸	کشاورز	۵۱/۹
۱۴	هنرپیشه سینما	۸۲/۴	۳۹	دامدار	۵۱/۴
۱۵	مهندس راه و ساختمان	۸۱/۸	۴۰	راننده تاکسی	۵۰/۱
۱۶	جوهر فروش	۸۰/۴	۴۱	نانوا	۴۹/۷
۱۷	مدیر اداره دولتی	۷۹/۳	۴۲	خیاط	۴۶/۸
۱۸	کارمند شرکت نفت	۷۹/۱	۴۳	لوله کش	۴۵/۹
۱۹	کشتی گیر حرفه‌ای	۷۸/۹	۴۴	سلمان‌ی	۴۵/۸
۲۰	کارخانه دار کوچک	۷۷/۳	۴۵	کفاش	۴۲/۹
۲۱	موسیقیدان	۷۶/۷	۴۶	پستچی	۴۰/۵
۲۲	خواننده	۷۶/۷	۴۷	پیشه‌وران (کله‌پز، قهوه‌چی، دستفروش)	۳۸/۵
۲۳	معمار ساختمان	۷۵	۴۸	تلفنچی	۳۷/۵
۲۴	رزمی کار حرفه‌ای (کاراته، تکواندو، بوکس)	۷۴/۵	۴۹	نگهبان ساختمان	۳۶/۴
۲۵	بنگاه دار اتومبیل	۷۳/۷	۵۰	کارگر ساختمان	۳۴/۲

همان طور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، در میان مشاغل مورد مطالعه، سفیر به لحاظ جایگاه منزلتی رتبه اول و کارگر ساختمانی رتبه آخر را به خود اختصاص داده است. از نظر شهروندان تهرانی، دبیر دبیرستان رتبه ۳۱ و آموزگار دبستان رتبه ۳۵ را دارد. برای بررسی آماری رتبه‌های به دست آمده، از آزمون تک نمونه‌ای کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. نتیجه به دست آمده ($z = 1/22$; $p < 0/01$) نشان می‌دهد تفاوت‌های میان رتبه‌بندی مشاغل معنادار است. با توجه به رتبه منزلت اجتماعی برای دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان، به تحلیل دقیق‌تری نیاز داشتیم تا طبقه منزلتی آن‌ها نیز تعیین شود، زیرا میانگین رتبه منزلت شغلی نمی‌تواند توصیف روشنی ارائه دهد، چون رتبه به دست آمده فقط جایگاه این حرفه را در میان فهرست مورد مطالعه آشکار می‌کند، در حالیکه بیش از ده‌ها شغل در جامعه وجود دارد.

تعیین دقیق جایگاه حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان)، با تحلیل خوشه‌ای به روش خوشه‌بندی وارد^۱ (هومن، ۱۳۸۰) که به طور کلی راه‌حل‌های تفسیرپذیر و با معناتری نسبت به سایر روش‌ها به دست می‌دهد، صورت گرفت. تحلیل خوشه‌ای ابزاری اکتشافی است و هدف آن مرتب کردن مشاهدات (منزلت مشاغل) به شکل گروه‌های منسجم و پایدار است تا منزلت شغلی به صورت سلسله مراتب طبقاتی قرار داده شود. بنابراین طبق داده‌های موجود (نظرات شهروندان تهرانی) و به وسیله محاسبه فاصله اقلیدسی، مشابهت و فاصله میان منزلت اجتماعی مشاغل مشخص شد. نتایج پژوهش، شامل مشاغل درون هر طبقه کلی و طبقه جزئی در جدول شماره ۳ دسته‌بندی شده است.

جدول شماره ۳- طبقات کلی و جزئی تعیین شده، برای منزلت اجتماعی مشاغل مورد مطالعه

مشاغل مورد مطالعه	طبقات جزئی	طبقات کلی
سفیر، وزیر، مدیر عامل شرکت بزرگ، استاد دانشگاه، کارخانه‌دار بزرگ، پزشک، نماینده مجلس، قاضی.	۱	بسیار بالا
استاندار، خلبان، مقام بلند پایه در وزارتخانه دولتی، وکیل، مهندس.	۲	
فوتبالیست حرفه‌ای، هنرپیشه سینما، جواهر فروش، کشتی‌گیر حرفه‌ای، موسیقی‌دان، خواننده، معمار، رزمی‌کار حرفه‌ای (کاراته‌کار، تکواندوکار، بوکسور)، بنگاه‌دار اتومبیل.	۳	بالا
مدیر اداره دولتی، کارمند شرکت نفت، کارخانه‌دار کوچک، تاجر بازار، روزنامه‌نگار، کارمند شرکت بیمه، کارمند بانک.	۴	
افسر ارتش، پاسدار، افسر پلیس.	۵	متوسط
دبیر دبیرستان، کارمند ادارات (بنیاد شهید، بهزیستی، هلال احمر، کمیته امداد، ثبت اسناد)، آموزگار دبستان.	۶	رو به بالا
صنعتگران (نجار، آهنگر، جوشکار، برقکار، تراشکار)، کاسب (بقال، عطار، قصاب، سمسار)، خیاط.	۷	متوسط روبه
کشاورز، دامدار، راننده تاکسی، نانوا، لوله‌کش، سلمانی، کفاش.	۸	پایین
پستچی، پیشه‌وران (دلال، کله‌پز، قهوه‌چی، رفتگر، دستفروش، واکسی)، تلفنچی، نگهبان، کارگر.	۹	پایین

نتایج تحلیل خوشه‌ای، ۵ گروه کلی و ۹ گروه جزئی نشان داد به طور کلی از دیدگاه شهروندان تهرانی منزلت اجتماعی مشاغل از پنج طبقه، شامل بسیار بالا، بالا، متوسط رو به بالا، متوسط رو به پایین و پایین تشکیل شده است. همچنین از نظر شهروندان شهر تهران، دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان، منزلت اجتماعی متوسط رو به بالایی دارد.

سوال سوم: منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) از سه دهه

گذشته تا کنون چه روندی داشته است؟ دیدگاه شهروندان تهرانی در مطالعه روند منزلت اجتماعی

حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) در سه دهه گذشته، باید دست کم در سه مقطع زمانی مورد بررسی قرار گیرد. برای این هدف از پژوهش های زمینه یابی اشرف و توفیق (۱۳۵۶) (به نقل از کاظمی پور ۱۳۷۴)، کاظمی پور (۱۳۷۴) و مطالعه حاضر استفاده شد. برای مقایسه دقیق تر اطلاعات، نمرات سه پژوهش، به نمرات استاندارد Z (با میانگین صفر و انحراف معیار یک) تبدیل شد تا نتایج آن بر مبنای مقیاسی واحد و همسان انجام شود، زیرا احتمال داشت که تفاوت اندک در مقیاس نمره گذاری پرسشنامه ها، مقایسه های بعدی را با اشکال مواجه کند. برای بررسی روند منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) در سه دهه گذشته، بر حسب نمرات خام و استاندارد، Z به جدول شماره ۴ مراجعه کنید.

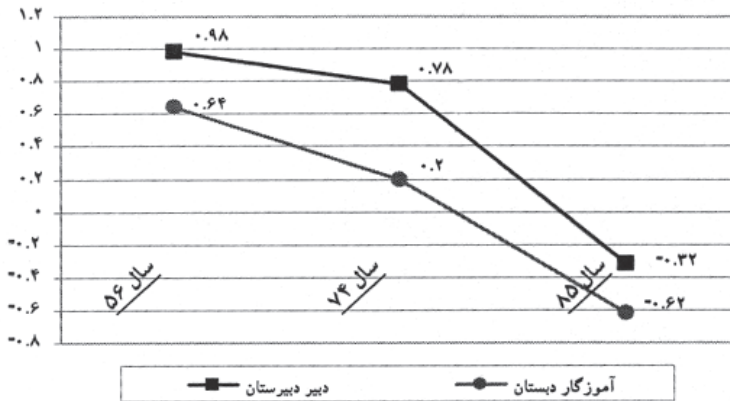
جدول شماره ۴ — روند منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان)

در سه دهه گذشته، بر حسب نمرات خام و استاندارد Z

سال ۱۳۵۶	سال ۱۳۷۴	سال ۱۳۸۵		
۷۸/۴۰	۶۷/۲۰	۵۸/۵۸	نمرات خام	منزلت اجتماعی آموزگار دبستان
۰/۶۴	۰/۲	-۰/۶۲	نمرات استاندارد Z	
۸۳/۶۰	۷۷/۴۰	۶۳/۷۹	نمرات خام	منزلت اجتماعی دبیر دبیرستان
۰/۹۸	۰/۷۸	-۰/۳۲	نمرات استاندارد Z	

همان طور که ملاحظه می شود، منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) در طول سه دهه گذشته، به صورت تدریجی کاهش پیدا کرده است. برای بررسی آماری تغییرات (بر حسب نمرات استاندارد Z) از آزمون تک نمونه ای کولوگروف اسمیرنوف بهره گرفتیم؛ نتایج پژوهش برای منزلت اجتماعی دبیر دبیرستان ($p < 0/01$ ؛ $Z = 0/576$) و آموزگار دبستان ($p < 0/01$ ؛ $Z = 0/425$) از نظر آماری معنادار است که این مسئله در نمودار شماره ۱ به روشنی مشاهده می شود.

نمودار شماره ۱. روند منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) در سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۵ در شهر تهران بر اساس نمرات استاندارد Z



بر اساس نمرات استاندارد Z، بیشترین کاهش در منزلت اجتماعی حرفه معلمی در میان سال‌های ۷۴ تا ۸۵ اتفاق افتاده است.

سؤال چهارم: آیا دیدگاه مردم درباره منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) بر حسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان تفاوت دارد؟ پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان با پنج متغیر سنجیده شد. برای این منظور از پاسخگویان درباره میزان تحصیلات، میزان درآمد ماهیانه خانوار، محل سکونت جغرافیایی در شهر، نوع منزل به لحاظ شخصی یا اجاره‌ای بودن و داشتن خودروی شخصی سؤال کردیم. بعد از جمع آوری اطلاعات، هر یک از متغیرها به نمرات استاندارد Z تبدیل شد و سپس با یکدیگر ادغام شدند. در مرحله بعد با در نظر گرفتن حداقل و حداکثر امتیازات و تقسیم آن‌ها به سه بخش پایین، متوسط و بالا، امتیاز پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان را تعیین کردیم. نظر شهروندان درباره میزان منزلت اجتماعی بر حسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

جدول شماره ۵ - نظر شهروندان درباره میزان منزلت اجتماعی بر حسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان

میانگین رتبه	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	حرفه معلمی
۶۳/۹۷	بالا	دبیر دبیرستان
۶۳/۷۵	متوسط	
۶۴/۵۴	پایین	
۶۰/۶۱	بالا	آموزگار دبستان
۵۹/۳۹	متوسط	
۵۷/۱۶	پایین	

بررسی این که آیا نظر شهروندان درباره منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) تحت تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان قرار گرفته است، با آزمون آماری ناپارامتریک کروسکال والیس صورت گرفت. نتایج پژوهش درباره میزان منزلت اجتماعی دبیر دبیرستان ($Chi = 3/26; P > 0/10$) و آموزگار دبستان ($Chi = 388/; P > 0/01$) نشان می دهد پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان، تأثیری در پاسخ آن ها نداشته است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر برای بررسی منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان)، تعیین جایگاه آن در میان مشاغل جامعه، مشخص کردن تغییرات منزلت اجتماعی حرفه معلمی طول سه دهه گذشته و همچنین بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان بر برآورد منزلت اجتماعی معلم انجام شد. برای نیل به اهداف تحقیق، پژوهش های اشرف و توفیق در سال ۱۳۵۶ (به نقل از کاظمی پور، ۱۳۷۴)، کاظمی پور (۱۳۷۴) و اطلاعات این مطالعه که در سه دهه گذشته به مطالعه منزلت اجتماعی حرفه معلمی در شهر تهران پرداخته بودند، مبنای تحلیل قرار گرفت.

نتایج آزمون ویلکاکسون برای پاسخ به سؤال اول پژوهش: «منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) در حال حاضر، از نظر مردم چگونه است؟» نشان داد از دیدگاه

شهروندان تهرانی، حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) منزلت اجتماعی متوسط رو به بالایی دارد. براساس این پژوهش، امروز شهروندان تهرانی در مقیاسی رتبه‌ای از عدد صفر تا ۱۰۰، منزلت اجتماعی دبیر دبیرستان را با میانگین ۶۳/۷۹ و منزلت اجتماعی آموزگار دبستان را ۵۸/۵۸ ارزیابی می‌کنند. در این میان دبیر دبیرستان در مقایسه با آموزگار دبستان، جایگاه بالاتری را به خود اختصاص داده است که با توجه به سطح تحصیلاتی مورد نیاز برای شغل دبیری، این مسئله قابل توجیه به نظر می‌رسد.

پاسخ به سؤال دوم پژوهش: «منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) در حال حاضر، میان مشاغل جامعه چه جایگاهی دارد؟» با تحلیل خوشه‌ای صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان داد شهروندان تهرانی معتقدند حرفه معلمی از مشاغل پیشه‌وری (مانند بقال، عطار، قصاب، سمسار، کله‌پز، قهوه‌چی، دستفروش)، مشاغل مهارتی (مانند نجار، آهنگر، جوشکار، برقکار و تراشکار، کفاش، خیاط، لوله‌کش، سلمانی، نانوا)، مشاغل کارگری (مانند کارگر، پستچی، نگهبان، تلفنچی)، مشاغل رانندگی (مانند راننده تاکسی) و مشاغل کشاورزی (مانند کشاورز، دامدار) جایگاه بالاتری دارد. از طرف دیگر، آنان بر این باورند که جایگاه، مشاغل ورزش‌های حرفه‌ای (مانند فوتبالیست حرفه‌ای، کشتی‌گیر حرفه‌ای، رزمی‌کار حرفه‌ای)، مشاغل هنری (مانند هنرپیشه سینما، خواننده، موسیقی‌دان)، مشاغل تجاری - تولیدی (مانند کارخانه‌دار بزرگ، کارخانه‌دار کوچک، تاجر بازار، بنگاه‌دار اتومبیل، جواهر فروش)، مشاغل نظامی و انتظامی (مانند افسر پلیس، پاسدار، افسر ارتش)، به ترتیب از حرفه معلمی بالاتر است. بنا بر این منزلت اجتماعی حرفه معلمی هم‌ردیف با مشاغل کارمندی (مانند کارمندان ادارات دولتی، کارمند بانک، کارمند شرکت نفت، کارمند شرکت بیمه) است.

برای پاسخ به سؤال سوم پژوهش: «منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) از سه دهه گذشته تا کنون چه روندی داشته است؟» بررسی آماری تغییرات پدید آمده با آزمون تک نمونه‌ای کولوگروف اسمیرنوف صورت گرفت.

مطالعه روند منزلت اجتماعی حرفه معلمی نشان داد در ۳۰ سال گذشته، جایگاه این حرفه در جامعه کاهش یافته است. به عبارت دیگر، بر اساس مقیاسی ۱۰۰ درجه‌ای، منزلت اجتماعی حرفه معلمی از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۵ با ۱۹/۸ نمره کاهش مواجه شده است که بیشترین کاهش در دهه‌ها ۷۰ و ابتدای ۸۰ رخ داد. به نظر می‌رسد مشکلات اقتصادی در پدید آمدن این وضعیت نقش

به سزایی دارد؛ زیرا معلمان در اوایل سال ۸۰ راهپیمایی‌ها و اعتراضاتی را برای مطالبه حقوق و بهبود امور معیشتی‌شان انجام دادند (فرجی دانا و مال جو، ۱۳۸۳)؛ این مسئله به رغم خصوصیت ناپایدار و زودگذری که داشت، چنان پر سر و صدا بود که فضای سیاسی کشور و افکار عمومی را برانگیخت و تأثیر آن در اذهان شهروندان تهرانی بر جای ماند و پژوهش فعلی به روشنی آن را اندازه‌گیری کرده است.

نتایج آزمون آماری ناپارامتریک کروسکال والیس برای پاسخ به سوال چهارم پژوهش: «آیا دیدگاه مردم منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) بر حسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنان متفاوت است؟» نشان داد منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) تحت تأثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان قرار ندارد. این مسئله را می‌توان اینگونه تبیین کرد که ارزیابی مردم درباره منزلت مشاغل، تحت تأثیر عقاید عمومی قرار دارد. عقاید عمومی و داوری جمعی درباره امور و مسائل گوناگون و با اهمیت جامعه از طریق توافق جمع به دست می‌آید و در بیشتر موارد به ویژگی‌های فردی اعضای جامعه ارتباطی ندارد (محسنی، ۱۳۷۹).

دستیابی به توسعه مبتنی بر دانایی، توسعه نوآوری فنی، علمی و صنعتی و انباشت سرمایه‌های فیزیکی و انسانی بدون توجه به منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) میسر نخواهد بود؛ بنابراین لازم است برای بهبود منزلت اجتماعی حرفه معلمی پژوهش‌های متعددی طرح‌ریزی شده، عوامل مؤثر بر کاهش آن مورد بررسی گیرد.

هر چند یافتن دلایل کاهش منزلت اجتماعی معلم به پژوهش‌های گسترده‌ای نیاز دارد، اما با توجه به مبانی نظری تحقیق، عوامل کلیدی تأثیرگذار بر منزلت اجتماعی هر شغلی عبارتند از: قدرت شغل برای اعمال اراده فردی؛ میزان امتیازات موجود در شغل برای کسب درآمد و ثروت و اهمیت خدماتی که شغل به جامعه ارائه می‌کند (محسنی، ۱۳۸۱؛ کاظمی پور، ۱۳۸۳). بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های لازم در خصوص میزان تأثیر عوامل مذکور و سایر عوامل احتمالی بر منزلت اجتماعی حرفه معلمی و راهکارهای ارتقاء آن انجام شود.

منابع

- افلاکی فرد، حسین (۱۳۸۰). بررسی منزلت اجتماعی معلم در نظام تعلیم و تربیت اسلامی از آرمان تا واقعیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی.
- آگیلار وفایی، ماریا (۱۳۷۹). استرس شغل معلمی: شیوع، منابع و پیامدهای استرس شغلی در میان معلمان مقاطع ابتدایی و متوسطه، فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی، سال ششم، شماره ۱ و ۲، صص ۶۳-۹۱.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۶۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.
- فرجی دانا، احمد؛ مال جو، محمد (۱۳۸۳). اقتصاد سیاسی مطالبات اقتصادی معلمان: چارچوب نظری، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۲۶۶-۲۳۳.
- قاسمی نژاد، افسر؛ اسماعیلی، رضا (۱۳۸۳). بررسی شأن و موقعیت اجتماعی معلمان از دیدگاه دانش‌آموزان مدارس راهنمایی تحصیلی و متوسطه استان اصفهان، فصلنامه آموزشی، پژوهشی، تربیتی آموزه، شماره ۲۳.
- دلاور، علی (۱۳۷۸). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.
- ستوده چوبری، علی (۱۳۸۵). منطق فازی و آثار روش شناختی آن بر پژوهش‌های علوم اجتماعی (رتبه‌بندی منزلت شغلی در شهر رشت) پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۷۴). آمار کاربردی. تهران: انتشارات ماجد.
- کلدی، علیرضا؛ عسگری، گیتا (۱۳۸۲). بررسی میزان رضایت شغلی معلمان ابتدایی آموزش و پرورش شهر تهران. فصلنامه روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال سی و سوم، شماره ۱، صص ۱۲۰-۱۰۳.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳). نگرش مردم درباره منزلت مشاغل در ایران و ارزیابی میزان ارتباط آن با ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی افراد، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۷۴). تحرک اجتماعی و مهاجرت در شهر تهران. رساله دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران. چاپ اول، تهران: شورای فرهنگ عمومی کشور.

محسنی، منوچهر (۱۳۸۱). مقدمات جامعه شناسی، تهران: انتشارات آگاه.

معیدفر، سعید؛ ذهانی، قربانعلی (۱۳۸۴). بررسی میزان نارضایتی شغلی معلمان و عوامل اجتماعی موثر بر آن (مطالعه موردی معلمان شهر نیشابور). فصلنامه جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۵۰.

میچل، ترنس. آر. (۱۳۸۳). مردم در سازمانها، (ترجمه حسین شکرکن). چاپ سوم، تهران: انتشارات رشد.

نیک گهر، عبدالحسین (۱۳۷۳). مبانی جامعه شناسی، تهران: انتشارات توتیا.

هومن، حیدر علی (۱۳۸۰). تحلیل داده‌های چند متغیری در پژوهش رفتاری، تهران: انتشارات پارسا.

Anastasi, A. (1982). *Psychological Testing* (5 th ed.), New York : Mac Millan.

Dinham, S., & Scott, C. (2000). *Teachers' Work and the Growing Influence of Social Expectations and Pressures*. Paper presented at the Annual Meeting of the American Educational Research Association (New Orleans, LA, 2428- April 1998) . Available from: www.eric.edu.org.

Heller, C.S. (1969). *A Reader in Comparative Social Stratification*. Structural Social Inequality. New York : Mac Millan.

Hoyle, E. (1995). *Social status of teaching*. The International Encyclopedia of Teaching and Teacher Education (2rd Ed.). New York: Elsevier Science Inc.

Lin, J.F. (1999). *The Work Satisfaction of Senior Primary School Teachers in Taipei*. Unpublished master's thesis. Taipei, Taiwan, Graduate Institution of Basic Education, National Taipei Teachers' College.

Poppleton, P. (1999). *Leading from behind: a comparative view of the proposed reform of teacher training*. *Journal of Education for Teaching*, 25 (3), pp. 233 -245 .

Poppleton, P., & Riseborough, G. (1990). *A profession in transition:*

educational policy and secondary school teaching in England in the 1980s. *Journal of Comparative Education*, 26(23/), pp 211 – 226.

Russell, D., & Peplau, L.A., & Ferguson, M.L. (1978). Developing a measure of loneliness. *Journal of Personality Assessment*, vol. 42 pp ,290 – 294.

Treiman, D.J. (1977). *Occupational Prestige in Comparative Perspective*, New York: Academic Press.